

رخداد

محاكمه ناپدری هانیه يكشنبه آينده



■ ایستنا: اولین جلسه رسیدگی به پرونده کودک‌آزاری هانیه، ۱۶ مردادماه در دادگاه اطفال برگزار می‌شود. هاله‌سادات سری، وکیل هانیه در این باره گفت: این جلسه در شعبه ۱۱۸۴ دادگاه اطفال برگزار خواهد شد اما هنوز منتظر نامه پزشکی قانونی درباره این موضوع هستیم و امیدواریم این نامه که پیگیری آن بر عهده بهزیستی است به موقع به جلسه دادگاه برسد، در غیر این صورت احتمال اینکه دادگاه تجدید شود، وجود دارد. وی افزود: در دادسرا برای مادر هانیه قرار منع تعقیب صادر شده و او آزاد است، اما ناپدری این کودک بازداشت است و قرار مجرمیت برای وی صادر شده است. وکیل هانیه درباره وضعیت این دختر هشت‌ساله نیز گفت: کودک نزد بهزیستی است و در حال حاضر هیچ اطلاعاتی از وضعیت او ندارم، زیرا بهزیستی اجازه نمی‌دهد با هانیه ملاقات داشته باشیم. هانیه نخستین قربانی کودک‌آزاری در سال جاری است که در وضعیت وخیمی به بیمارستان رسول اکرم(ص) تهران منتقل و مشخص شد او توسط ناپدری‌اش مورد شکنجه و آزارهای جسمی شدید قرار گرفته است.

سرق‌ت از حساب افراد بی‌سواد

■ شرق: مردی که با فریب دادن افراد کم‌سواد به حساب بانکی آنها دستبرد می‌زد، به ۱۰ افقره سرق‌ت قرار کرد. سرهنگ «حسان‌بخش» در این باره توضیح داد: در پی وقوع چندین فقره سوءاستفاده از رمز عابر بانک افراد بی‌سواد، تیمی از کارکنان اداره عملیات ویژه موضوع را با حساسیت خاصی در دستور کار قرار دادند. وی در ادامه گفت: مأموران محل‌های مورد نظر را تحت کنترل قرار دادند و موفق شدند یکی از متهمان را که جلو سیستم خودپرداز ایستاده بود، شناسایی و دستگیر کنند. وی گفت: در بازرسی از متهم چهار عدد کارت عابر بانک به اسامی متفاوت کشف و ضبط شد و متهم اعتراف کرد با همدستی فردی به نام «فرین» در جلو سیستم‌های خودپرداز مناطق پایین شهر می‌ایستاد و افراد بی‌سوادی را که برای دریافت وجه مراجعه می‌کردند، به بهانه کمک فریب می‌داد و بعد از ظاهرسازی با این ادعا که خودپرداز خراب است، یک کارت سوخته را به آنان بازمی‌گرداند.

شرق: دفن جسد کیلومترها آنسوتر از محل جنایت هم نتوانست راز مردی که طلبکارش را کشته بود محفوظ نگه دارد.

به گزارش خبرنگار ما، صبح دیروز وقتی رئیس شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری استان تهران رسمیت دادگاه را اعلام کرد، روشن، نماینده دادستان به تشریح کیفرخواست پرونده‌ای پرداخت که به قتل مردی طلبکار به دست بدهکار مربوط می‌شد. او به هیأت قضات چنین گفت: «مردی دی سال گذشته به مأموران پلیس خبر داد برادرش حمید گم شده است. این مرد گفت: برادرم با مردی به نام آرش قرار ملاقات داشت اما سه روز است که به خانه برنگشته و هرچه با آرش تماس می‌گیریم، می‌گوید از برادر من خبر ندارد. با شکایت این مرد پلیس تحقیقات خود را آغاز کرد و متوجه شد آرش و حمید روز حادثه همدیگر را دیده‌اند. بنابراین آرش تحت بازجویی قرار گرفت و در نهایت به کشتن حمید اقرار کرد و گفت: من به مقتول بدهکار بودم و بر سر این موضوع با هم درگیر شدیم من که خیلی عصبی بودم او را به قتل رساندم و می‌دانستم دیر با زود جسد پیدا می‌شود به همین دلیل جسد را در ماشین جاسازی کردم و به مراغه بردم و در آنجا دفن کردم. با

خودم گفتم اگر خانواده‌اش از من سراغ حمید را گرفتند می‌گویم با او ارتباطی نداشتم» روشن ادامه داد: «مأموران با توجه به این یافته‌ها با قرار نایب به مراغه رفتند و با توجه به آدرسی که متهم داده به باغ رفتند و جسد را در حالی که متلاشی شده بود پیدا کردند. بنابراین با توجه به مدارکی که در دادگاه ارایه دادم به عنوان نماینده دادستان تهران درخواست صدور حکم قانونی را دارم.» در ادامه جلسه دادگاه، اولیای دم در جایگاه حاضر شدند آنها برای متهم درخواست صدور حکم قصاص کردند. برادر مقتول که به عنوان مطلع در دادگاه حضور داشت، گفت: متهم بعد از اینکه از زندان آزاد شد با برادرم طرح دوستی ریخت تا او را به قتل برساند آرش ۲۶ میلیون تومان به برادرم بدهکار بود و حاضر نبود این مبلغ را پس بدهد. در ادامه آرش به دفاع از خودش پرداخت، او گفت: درست است که من مرتکب قتل شدم اما این قتل عمدی نبود و با برنامه‌ریزی قبلی این کار را نکردم. ۱۵ میلیون تومان از حمید پول قرض گرفته بودم و باید سود آن را هم می‌دادم. من بابت این بدهی به حمید چک داده بودم. یک روز قبل از حادثه با او قرار گذاشتم، می‌خواستم به او بگویم پولی

مرد بدهکار به اتهام قتل طلبکارش محاکمه شد

مسافرت با جسد، از تهران تا مراغه

ندارم که بدهم اما می‌ترسیدم برخورد تندی بکند. با این حال سر قرار حاضر شدم و به او گفتم فعلاً نمی‌توانم پول را بپردازم، حمید هم قبول کرد حتی گفت آن قدر به من اعتماد دارد که حاضر است چک‌هایم را پس بدهد اما من قبول نکردم. فردای آن روز دوباره با حمید قرار گذاشتم تا ۱۲ میلیون تومان به او بدهم. فکر می‌کردم با این کار چک‌ها را به من پس می‌دهد. برای اینکه شاهد داشته باشم به یکی از دوستانم گفته بودم همراهم بیاید وقتی حمید متوجه این موضوع شد عصبانی شد با این حال من پول را دادم و چک‌هایم را خواستم اما قبول نکرد و گفت آنها را پس نمی‌دهد چون هنوز به او بدهکار هستم ما با هم درگیر شدیم من با چاقو چند ضربه به او زدم دستش خونی شد. بعد ششمان شدم و به او گفتم اجازه بده تو را به بیمارستان برسانم اما قبول نکرد. وقتی که حالش بهتر شده بود ناگهان به سمت من حمله کرد و من هم دو ضربه دیگر به او زدم یکدفعه دیدم بی‌حال روی صندلی افتاد نبضش را گرفتم و دیدم فوت شده است. به همین دلیل ماشین و مدارک حمید را آتش زدم و جسد را با خودم به مراغه بردم و در آنجا دفن کردم. متهم

به قتل ادامه داد: «حمید اصرار داشت علاوه بر ۱۵ میلیون تومان، طلبش، ۱۲ میلیون تومان هم سود بگیرد؛ اگر او فقط اصل پولش را می‌خواست این اتفاق نمی‌افتاد. در این هنگام برادر مقتول در اعتراض به اظهارات متهم گفت: «همه اظهارات او دروغ است و قتل با برنامه‌ریزی قبلی انجام شده است متهم حتی برای اینکه جسد برادرم شناسایی نشود روی او آهک ریخته بود حالا چطور می‌تواند ادعا کند بدون برنامه قبلی این کار را کرده است. ادعای او درباره ۱۲ میلیون هم صحت ندارد ضمن اینکه برادرم فقط اصل پولش را می‌خواست و توقع سود نداشتم.» بعد از اظهارات برادر مقتول، وکیل مدافع متهم در جایگاه قرار گرفت و در دفاع از موکلش مدعی شد قتل بدون برنامه قبلی و اتفاقی بود. او گفت: «موکل من برای اینکه بتواند از خودش دفاع کند این کار را کرد. اگر مقتول به آرش حمله نمی‌کرد این اتفاق نمی‌افتاد، ابتدا مقتول به موکل من حمله کرد. بنا بر این گزارش بعد از پایان جلسه محاکمه هیأت قضات شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری استان تهران برای صدور رای دادگاه وارد شور شدند.

صاحب صرافی صحبت می‌کرد که من فکر کردم آنها با یکدیگر دوست هستند. به همین دلیل به او اعتماد کردم و وقتی دلارها را از من خواست به راحتی به او دادم. مرد جوان همان لحظه یک ماشین حساب جیبی به دست گرفت و مشغول محاسبه شد. سپس شروع به گفت‌وگو با تلفن همراهش کرد و در ادامه به بهانه اینکه تلفن آنتن نمی‌دهد از مغازه خارج شد و دیگر برگشت. وقتی از صاحب صرافی درباره او پرسیدم گفت این مرد را نمی‌شناسد و فکر می‌کرد همراه من است.» چون صرافی دوم نیز به دوربین‌های مدار بسته مجهز بود تصاویر ضبط‌شده از زمان حضور مرد سارق در آنجا استخراج شد و مورد بازبینی قرار گرفت. مطابقت این تصاویر با تصاویر صرافی قبلی نشان داد عامل هر دو سرقت یک نفر است اما هیچ ردی از متهم به دست نیامد. به این ترتیب با گذشت مدتی از وقوع این دو سرقت از آنجا که مأموران نتوانستند متهم را دستگیر کنند بازپرس پرونده مجوز انتشار تصویر بدون پوشش وی را صادر کرد.

سرهنگ علی غیاث‌نور رئیس پایگاه هفتم پلیس آگاهی تهران از افرادی که از مشخصات و هویت واقعی متهم تحت تعقیب اطلاعاتی دارند خواست به پایگاه هفتم پلیس آگاهی یا شعبه چهاردهم بازپرسی داسرای ناحیه ۱۲ مراجعه کنند.



پلیس برای دستگیری مرد کلاهبردار از مردم کمک خواست

ترفند عجیب برای سرق‌ت از مشتریان صرافی‌ها

آنجا که این صرافی به سیستم دوربین مدار بسته مجهز بود مرد صراف تصاویر ضبط‌شده از صحنه سرق‌ت را در اختیار مأموران قرار داد. با به دست آمدن تصویر متهم کارآگاهان برای شناسایی وی به تکلیف افتادند. با گذشت چند روز از گزارش این سرقت، این بار مرد مستنی به دادسرا رفت و با اظهاراتی مشابه گفت مرد جوانی پول‌های او را سرق‌ت کرده است. او در این باره گفت: برای فروش حدود دو هزار دلار آمریکا به میدان فردوسی رفته بودم که با مردی که خود را خریدار دلار معرفی می‌کرد آشنا شدم. او من را همراه خود جلوی یک صرافی برد و خودش وارد آنجا شد. او طوری با

شود برمی‌گردد اما هر چقدر صبر کردم خبری از او نشد. چون فکر می‌کردم او از دوستان صاحب صرافی است سراقش را از او گرفتم اما مدیر صرافی گفت این مرد را نمی‌شناسد. مرد مالباخته در شکواییه‌اش ادعا کرد مدیر صرافی با مرد سارق همدست است به همین دلیل گروهی از مأموران به صرافی رفتند تا در این باره تحقیق کنند. در این تحقیقات مشخص شد مرد صراف هیچ نقشی در سرق‌ت ندارد. او در این خصوص گفت: «من با همه مشتری‌انم با خوش‌رویی برخورد می‌کنم و این دلیلی برای شناختن همه آنها نیست. من سال‌ها است صرافی دارم و هیچ وقت اعتبارم را فدای پول نمی‌کنم.» از

دزدیده و فرار کرده است. این مرد در تشریح این ماجرا به جمالی، بازپرس شعبه چهاردهم گفت: چون می‌خواستم به مسافرت خارج از کشور بروم، صبح دیروز «روز حادثه» به خیابان فردوسی رفتم تا مقداری ارز تهیه کنم. درحالی که مقابل یکی از صرافی‌ها ایستاده و مشغول دیدن قیمت‌ها بودم مردی به من نزدیک شد و در این باره از من سوال کرد. او گفت اگر بخواهم می‌تواند برایم به پایین‌ترین قیمت ارز تهیه کند. او مدارکم را همراه دو مبلغ دو میلیون و ۶۰۰ هزار تومان از من گرفت و وارد صرافی شد و من هم پشت‌سر او داخل رفتم. او شروع به خوش‌وشش با مدیر صرافی کرد و بعد از چند لحظه یک ماشین حساب کوچک از جیبش بیرون آورد و مشغول حساب کردن شد. چند لحظه بعد پشتش را به من کرد و مشغول صحبت با تلفن همراهش شد. مرد جوان در ادامه با این بهانه که تلفنش آنتن نمی‌دهد و صدا قطع می‌شود از مغازه خارج شد. تصور می‌کردم وقتی تماس تلفنی‌اش تمام

سوت‌پیایان

نیکی کریمی . شهاب حسینی

اشکان خلیلی . هادی همدوی فر

بهوش بختری . عزاله رشیدی

... و آتیلا پسیانی

با حضور افتخاری :

مصطفی زمانی

گوهر خیراندیش

لادن طباطبایی

هادی ساعی

با اجرای :

سیروان خسروی

بخش : هدایت فیلم

نویسنده و کارگردان :

نیکی کریمی

در سینماهای :

قدس ۸۸۹۶۸۲۵ آزادی ۸۳۸۰ آرنگه ایران ۲۲۲۷۰۰۰۶ پردیس ملت ۲۳۱۶۴

پردیس زندگانی ۲۴۰۰۰۲۸۰ ایران ۷۷۵۳۸۷۱۱ تماشا ۶۶۶۶۶۱۳ مائلا ۷۷۲۱۰۹۸۲۵

پارس ۶۶۹۴۶۹۵۳ مصر جدید ۸۸۹۶۲۵۵ شکوفه ۲۳۵۱۲۷۰۱ جوان ۲۳۴۱۴۰۳۵

فرهنگسازی این سینما ۸۸۲۶۶۶۷ حافظه ۳۳۱۱۵۳۸

بزودی

محمد رضا گلزار
آهویی حیایی

شیش ویش

کارگردان : بهوش بختری

نویسنده : شهاب حسینی

تهیه کننده : نیکی کریمی

مجموعه : جلالت فیلم

نمایش پر مخاطب ترین فیلم امسال

در سینماهای تهران ماه مبارک رمضان

با سانس های فوق العاده و تخفیف ویژه

ادامه دارد

ورود آقایان ممنوع

کارگردان: رامبد جوان

تهیه کننده: علی سرتیپی

رضا عطاران ویشکا آسایش

پگاه آهنگرانی بهاره رهنما

و مانی حقیقی

البته باستثنای شما

بهترین فیلم کم‌دی سال

از دهکده تماشایان در بیست و نهمین جشنواره فیلم فجر

برنده سربلخ باورین بهترین بازیگر نقش اول زن در بیست و نهمین جشنواره فیلم فجر

بهترین فیلم کم‌دی سال از دهکده منتقدین و نویسندگان در بیست و نهمین جشنواره فیلم فجر

بخش از فیلم‌سازان

تولید یا مدار فیلم

www.filmiran.com